

A Critical Examination of the Philosophical Foundations of the Law of Attraction from the Perspective of Transcendent Wisdom, with an Emphasis on Mulla Sadra's Views¹



Mehrcherreh Dehghani¹ 

Mohammad Mahdi Gorjian Arabi² 

1. Level four student of Transcendental Wisdom, Masoumiyeh Seminary Institute of Higher Education, Qom, Iran (Corresponding Author).

Email: m.f.a.dehghani@gmail.com

2. Professor, Department of Philosophy and Theology, Faculty of Philosophy and Ethics, Baqir Al-Olum University, Qom, Iran.

Email: mm.gorjian@yahoo.com

Abstract

The Law of Attraction refers to the idea that a person attracts whatever they desire and think about. The primary claim of its proponents is the power of the human mind to influence external reality, creating outcomes through visualization, focus, and aligning emotions with desires. Like any other ideology, the Law of Attraction is based on philosophical foundations that must be examined critically by philosophers. Understanding these foundations enables audiences to assess this concept properly and avoid misguided approaches to success and perfection. This study aims to identify and critique the philosophical foundations of the Law of Attraction from the perspective of Transcendent Wisdom (Hikmat

-
1. **Cite this article:** Dehghani, M., & Gorjian Arabi, M. M. (2025). A Critical Examination of the Philosophical Foundations of the Law of Attraction from the Perspective of Transcendent Wisdom, with an Emphasis on Mulla Sadra's Views. *Islamic Spirituality Studies*, 3(6), pp. 140-169.
<https://doi.org/10.22081/jsr.2025.70530.1116>
-

* **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:** 2024/12/18 • **Revised:** 2025/02/19 • **Accepted:** 2025/03/08 • **Published online:** 2025/06/13

© The Authors



Muta'aliya). Key philosophical underpinnings of the Law of Attraction include idealism, humanism, pantheism, and animism, whether explicitly acknowledged or not. Using an analytical-critique method, this article evaluates these foundations in light of Sadrian philosophy and presents alternative interpretations. The findings highlight a realistic approach to mental creativity, human dependence on God despite infinite potential for perfection, a proper understanding of the unity of existence (wahdat wujud) in human-divine relations, and an explanation of cosmic consciousness without falling into the aforementioned philosophical pitfalls.

Keywords

Law of Attraction, Transcendent Wisdom, Energy, Mulla Sadra, Philosophical Foundations of the Law of Attraction.

بررسی انتقادی مبانی فلسفی قانون جذب از دیدگاه حکمت متعالیه

با تأکید بر آراء ملاصدرا^۱

 محمد مهدی گرجیان عربی^۲

 مهرچره دهقانی^۱

۱. طلبه سطح چهار حکمت متعالیه، موسسه آموزش عالی حوزوی معصومیه، قم، ایران، (نویسنده مسئول).

Email: m.f.a.dehghani@gmail.com

۲. استاد، گروه فلسفه و کلام، دانشکده فلسفه و اخلاق، دانشگاه باقر العلوم، قم، ایران.

Email: mm.gorjian@yahoo.com



چکیده

قانون جذب به معنای جذب هر آن چیزی است که انسان می‌خواهد و به آن می‌اندیشد. مهمترین ادعای مروجان قانون جذب تأکید بر تأثیر ذهن انسان بر خارج و خلق واقعیت از طریق تجسم و تمرکز و همسو کردن احساسات با خواست خویش است. قانون جذب مانند هر تفکر دیگری دارای مبانی فلسفی است که باید توسط فیلسوفان مورد بررسی قرار گیرد. این بررسی موجب می‌شود که مخاطبان این تفکر با زیر ساخت‌های آن آشنا شده و به نحو صحیح آن را ارزیابی نمایند و در انتخاب راه موفقیت و کمال به بیراهه نروند. هدف از این مقاله استیفای مبانی فلسفی قانون جذب و نقد آن از دیدگاه حکمت متعالیه است. ایدئالیسم، اومانیزم، پانتیسم و انیمیزم از جمله مبانی فلسفی هستند که خواسته یا ناخواسته مبنای فکری مدعیات قانون جذب است. این مبانی از دیدگاه فلسفه صدرایی و باروش تحلیلی انتقادی مورد بررسی قرار گرفته و نتیجه آن تبیین درست خلایقیت ذهن انسان در پرتو واقع گرایی، وابستگی انسان به خدا در عین ظرفیت نامتناهی او در کسب کمال، تبیین صحیح ارتباط انسان با خدا با طرح وحدت وجود و تفسیر شعورمندی کائنات بدون گرفتار شدن به مبانی ذکر شده، است.

کلیدواژه‌ها

قانون جذب، حکمت متعالیه، انرژی، ملاصدرا، مبانی فلسفی قانون جذب.

۱. **استاد به این مقاله:** دهقانی، مهرچره؛ گرجیان عربی، محمد مهدی. (۱۴۰۳). بررسی انتقادی مبانی فلسفی قانون

جذب از دیدگاه حکمت متعالیه با تأکید بر آراء ملاصدرا. معنویت‌پژوهی اسلامی، ۳(۶)، صص ۱۴۰-۱۶۹.

<https://doi.org/10.22081/jsr.2025.70530.1116>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۸ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۳/۲۳



طرح مسئله

قانون جذب یکی از پرجاذبه‌ترین جریان‌های فکری دنیای معاصر است که با عناوین مختلفی چون راز، تکنولوژی فکر، قدرت ذهن و... مطرح می‌گردد. مروجان قانون جذب معتقدند قانونی مشابه قانون جاذبه عمومی بر افکار انسان نیز حاکم است. تمرکز ذهن بر خواست‌ها موجب می‌شود انرژی‌هایی از مغز بر کائنات اثر گذاشته و از آنجا که انرژی‌های مشابه همدیگر را جذب می‌کنند، انسان می‌تواند همه موجودات را در راستای تحقق خواست خود به حرکت درآورد.

این قانون به دلایل مختلفی از جمله همسو بودن ظاهری با فطرت کمال‌خواه انسان، سعی در ایجاد انگیزه امید به حل مشکلات زندگی، همه‌فهم بودن تعلیمات آن و مهم‌تر از همه تضاد آشکار نداشتن با شرایع و ادیان، مورد استقبال افراد زیادی قرار گرفته، طوری که در کشور ما برخی افراد مذهبی به ترویج این قانون پرداخته و مؤیدات قرآنی- روایی برای آن می‌آورند و این در حالی است که نقدهای جدی به این تفکر وارد است.

خطر قانون جذب ترویج تفکر سکولار و گاه ضددینی در قالب شعارهای انگیزشی و خردپسند است. توجه و تمرکز بیش‌ازحد به ثروت‌افزایی، دنیاطلبی و غرق‌شدن در آرزوهای مادی دستاورد این اندیشه است. بی‌شک برملا کردن مغالطات پنهان و آشکار این مکتب فکری از ضرورت‌های مهم جامعه علمی است و از آنجا که هر جنبش و مکتب فکری پیشفرض‌ها و مبانی‌ای دارد که غالباً ماهیت فلسفی دارند، نقد و بررسی این پیشفرض‌ها و مبانی به‌عهده دانش فلسفه است. البته نقد مبانی قانون جذب به‌معنای رد تمامی مدعیات آنها نیست، بلکه دیدگاه‌های آنان شامل نکات مثبتی نیز هست.

پیشینه تحقیق

اگرچه ردپای قانون جذب یا تئوری راز را می‌توان در طول تاریخ در نحله‌های عرفانی یافت، اما شروع رسمی آن به انتشار کتاب ارتعاش فکر یا قانون جذب در دنیای

اندیشه اثر واکر اتکینسون در سال ۱۹۰۶م برمی گردد و با کتاب و فیلم راز راندا برن به اوج شکوفایی خود می رسد.

البته قانون جذب منتقدانی در خارج و داخل کشور داشته؛ بعضی اصل آن را غیرعلمی و بعضی به گستره مدعیات آن اشکالاتی وارد کرده اند؛ از جمله کتاب هایی که به طور جدی وارد نقد این قانون شده اند می توان به کتاب نیم نگاهی به فرضیه جذب، کاوشی در معنویت های نوظهور، قانون جذب و اسلام، نوشته حمزه شریفی دوست و کتاب نگاهی متفاوت به قانون جذب، اثر حمیدرضا مظاهری سیف اشاره کرد. کتب ذکر شده با نگاه فلسفی به این موضوع نپرداخته اند. مقاله حاضر بنا دارد با ذکر مبانی مطرح در حکمت متعالیه، به ویژه نگاه متفاوت ملاصدرا به حقیقت انسان و سیر تکامل او به نقد قانون جذب پردازد.

قانون جذب را می توان از ابعاد مختلفی بررسی کرد. هدف از نگارش این مقاله نقد مبانی فلسفی قانون جذب به روش تحلیلی-انتقادی است؛ مبانی ای چون ایدئالیسم، اومانیزم، پانتیسم و انیمیسم که خواسته یا ناخواسته مبنای مدعیات آنهاست. برای رسیدن به این منظور ابتدا به ادعای مروجان قانون جذب درباره هستی، انسان و خدا اشاره می شود. سپس چهار مبنای مهم آنها طرح و از دیدگاه حکمت متعالیه مورد بررسی و نقد قرار می گیرد. البته تذکر این نکته ضروری است که این بررسی انتقادی با تکیه بر آراء ملاصدرا صورت گرفته است.

روش پژوهش

این مقاله با استفاده از روش تحلیلی-انتقادی به بررسی مبانی فلسفی قانون جذب می پردازد. در این راستا، آراء ملاصدرا به عنوان نماینده حکمت متعالیه طرح و مطابق آن، مبانی قانون جذب مورد بررسی قرار می گیرد تا روشن شود چگونه این مبانی در مواجهه با دیدگاه های ملاصدرا دچار نقص و ضعف می گردد.

۱. مدعیات قانون جذب

از آنجا که تفکر قانون جذب دارای یک نظام فکری منسجم و روش مند نیست،

هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و خداشناسی واضحی ندارد؛ بنابراین باید از مجموع سخنان منادیان آن، دیدگاه آنان را درباره هستی، انسان و خدا بیان کرده و پس از طرح دیدگاه‌ها مبانی فلسفی آن را استخراج و نقد کرد.

۱-۱. هستی‌شناسی قانون جذب

مدعیان قانون جذب آن را یک قانون طبیعی و فراگیر می‌دانند. این نگرش مبتنی بر دیدگاه خاصی در هستی‌شناسی آنهاست. می‌توان نظریات آنها درباره هستی را در سه محور ذیل بیان کرد.

۱-۱-۱. هستی مساوی با انرژی

مدعیان قانون جذب معتقدند که همه اشیاء، ماده واحدی دارند که همان انرژی است و تفاوت موجودات در نحوه سازماندهی آنهاست (گپ، ۱۴۰۰، ص ۷۶). اشیاء جامد پیرامون ما اگرچه ظاهراً محکم به نظر می‌رسند اما اگر با چشم مسلح دیده شوند یک توده انرژی هستند (نک: برن، ۱۳۹۹، ص ۱۶۲).

آنها می‌گویند علم فیزیک نیز این مطلب را تأیید می‌کند؛ چراکه در علم فیزیک ثابت شده که مولکول‌ها از اتم تشکیل شده‌اند و هر اتم هسته‌ای دارد که از ذرات ریزتری به نام پروتون و نوترون تشکیل شده که الکترون‌ها به دور آن می‌چرخند. برخلاف آنچه پیش از این فکر می‌شد که پروتون‌ها و نوترون‌ها ذراتی بنیادین هستند، آزمایش‌ها نشان داد که آنها در واقع از ذرات کوچک‌تری تشکیل یافته‌اند و آنها کوارک هستند... و نهایتاً کوارک‌ها از انرژی ساخته شده‌اند (نک: هاوکینگ، ۱۴۰۱، ص ۸۷).

۱-۱-۲. هوشمندی کائنات

از دیدگاه منادیان قانون جذب کائنات موجوداتی هستند که به صورت یک سیستم منظم و دارای هوش و شعور عمل می‌کنند. دلیل هوشمندی کائنات این است که اساس همه موجودات انرژی است، از این رو اتصال و وحدتی بین موجودات برقرار است. ذهن

انسان نیز به کل کائنات متصل است و این موجب می‌شود که کائنات از ذهن انسان باخبر باشند، آرزوی او را بشنوند و آن را برآورده سازند (نک: گپ، ۱۴۰۰، ص ۶۸۳).

۳-۱-۱. جذب انرژی مشابه

ادعای دیگر منادیان قانون جذب این است که انرژی‌های مشابه همدیگر را جذب می‌کنند. فکر انسان هم مانند سایر اشیاء از انرژی ساخته شده و انرژی دارای فرکانس است، پس هر موجودی فرکانس مخصوصی دارد و اگر فکر انسان مثبت باشد فرکانس مثبت تولید می‌کند و در نتیجه با انرژی‌های مثبت پیرامون خود همسو شده، آن را جذب می‌کند و اگر فرکانس منفی مخابره کند، همان را دریافت خواهد کرد و این به دلیل وجود قانون جاذبه است که یک قانون طبیعی است (گپ، ۱۴۰۰، ص ۶۸۷).

۲-۱. انسان‌شناسی قانون جذب

انسان‌شناسی هر مکتب محصول نوع نگاه آن مکتب به انسان و توانایی‌های اوست. گفته شد که طرفداران قانون جذب معتقدند همه چیز در عالم، حتی ذهن انسان از انرژی ساخته شده و همه کائنات در خدمت خواست انسان است. آنها در تبیین قانون جذب به دو مطلب استناد می‌کنند؛ یافته‌های فیزیک کوانتوم و ویژگی‌های ضمیر ناخودآگاه.

۱-۲-۱. فیزیک کوانتوم

کوانتوم جمع کوانتا، واژه لاتین به معنای «مقدار» (حق‌شناس، ۱۳۹۱، ص ۱۲۰۰) و در اصطلاح فیزیک به معنای کوچک‌ترین واحد مجزای ممکن هر خاصیت فیزیکی است (مصاحب، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۲۸۸).

کوانتوم ذراتی هستند که هم می‌توانند موج باشند، هم ذره؛ یعنی گاهی خصوصیات موج را دارند و گاهی خصوصیات ذره. ذره عبارت است از جرم یا انرژی متمرکز با مکان و سرعت معلوم، اما موج عبارت است از انرژی گسترده‌شده با بسامد و طول موج. بنابراین ذرات با هم برخورد می‌کنند اما امواج با هم تداخل دارند (تالوت، ۱۳۹۴، ص ۱۱۲).

یکی از آزمایش‌های معروف در تبیین رفتار ذره‌ای-موجی الکترون آزمایش دو شکاف است (رابرت و دیگران، ۱۳۸۴، ص ۵۹۹). این آزمایش نشان می‌دهد که وقتی الکترون‌ها از یک شکاف عبور داده می‌شوند به صورت ذره عمل می‌کنند اما وقتی از دو شکاف نزدیک به هم عبور می‌کنند به صورت امواج متداخل درمی‌آیند، اما مهم‌تر اینکه وقتی یک ردیاب را در مسیر عبور الکترون‌ها و پس از شکاف قرار دادند، متوجه شدند که الکترون‌ها که پس از عبور از دو شکاف به صورت موج عمل می‌کردند، به محض مشاهده ردیاب دوباره به ذره تبدیل شدند. نتیجه این آزمایش‌ها، دست کم برای برخی فیزیکدانان این بود که انسان به عنوان یک ناظر بیرونی فقط جهان خارج را مشاهده نمی‌کند، بلکه در این جهان مشارکت دارد. حواس انسان چیزی جدا از خارج نیست، بلکه درگیر فرایند و واکنش خیلی پیچیده‌ای است که نتیجه نهایی آن خلق چیزی در خارج است (نک: تالوت، ۱۳۹۴، صص ۱۲۷-۱۳۱).

۲-۱. ضمیر ناخودآگاه

مطابق آنچه روان‌شناسانی مانند یونگ مطرح کرده‌اند، انسان علاوه بر ضمیر خودآگاه دارای ضمیر نیمه‌خودآگاه یا ناخودآگاه است (نک: یونگ، ۱۳۹۰، ص ۹۲). ضمیر خودآگاه بخشی از ذهن است که می‌اندیشد و استدلال می‌کند. اراده انسان در این بخش قرار دارد. بنابراین تمام تصمیماتی که در زندگی می‌گیرد مربوط به این بخش است. اما ضمیر ناخودآگاه که خاطرات و عادات در این بخش از ذهن قرار دارد، فقط در حال عمل می‌کند و نمی‌تواند باورها و عقاید ضمیر خودآگاه را رد کند. ضمیر ناخودآگاه قدرت پردازشی بسیار گسترده دارد. حافظه آن بلندمدت است و همه تجربه‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای گذشته را شامل می‌شود. در هر زمان می‌تواند هزاران رویداد مختلف را مدیریت کند و هیچ محدودیتی ندارد. آنها پس از بیان ویژگی‌های ضمیر خودآگاه و ناخودآگاه به مقایسه آن دو پرداخته و می‌گویند ضمیر نیمه‌خودآگاه بسیار قدرتمندتر از ضمیر خودآگاه عمل می‌کند. انسان باید بتواند از قدرت ضمیر ناخودآگاه به نفع خود استفاده کند (کنفیلد، ۱۳۹۵، صص ۳۴-۳۷).

بنابر آنچه گفته شد، انسان‌شناسی قانون جذب را می‌توان در سه محور توضیح داد:

۱-۲-۳. قدرت اثرگذاری انسان در خلق واقعیت

طرفداران قانون جذب از نتایج آزمایش دو شکاف برای توضیح قانون جذب استفاده می‌کنند. آنها از اینکه الکترون‌های یک اتم بدون ناظر بیرونی محدوده مکانی خود را از دست می‌دهند و به موج تبدیل می‌شوند، اما اگر ناظری وجود داشته باشد در محدوده مکانی خود باقی می‌مانند و خصوصیت ماده را دارند، نتیجه می‌گیرند که بدون ناظر و فکر هیچ جهان مادی وجود ندارد و واقعیت با فعالیت‌های ذهنی ما ساخته می‌شود. نتیجه دیگری که به آن استناد می‌کنند درهم‌تنیدگی عالم هستی است؛ چون آزمایش دو شکاف نشان می‌دهد که اگر دو جسم را در فاصله‌های مختلف از یکدیگر قرار دهیم، هنگامی که یک جسم تغییر کند، به‌طور همزمان جسم دیگر نیز دچار تغییر می‌شود. بنابراین همه چیز در هستی به هم تنیده است و اگر ما بر چیزی تأثیر بگذاریم بر دیگری اثر گذاشته‌ایم (جولایی، ۱۳۹۹، صص ۱۰-۱۱).

از طرفی ویژگی‌های ضمیر ناخودآگاه موجب می‌شود که انسان بتواند خالق آرزوهای خود باشد. ضمیر ناخودآگاه، هرچه را که ضمیر خودآگاه به او تحمیل کند می‌پذیرد و آن را واقعی می‌انگارد. پس انسان می‌تواند با آگاهی خواسته‌های مثبت خود را به ضمیر ناخودآگاه بسپارد و منتظر برآورده شدن آن بماند. به‌وسیله ارتباط برقرار کردن با ضمیر ناخودآگاه و به‌کارگیری سرعت و قدرت شگفت‌انگیز آن می‌توان از قانون جذب به شیوه‌ای موثرتر استفاده کرد (نک: کنفیلد، ۱۳۹۵، صص ۳۶-۳۷) و در این صورت است که باید گفت در سرنوشت انسان چیزی جز خواست او مؤثر نیست و انسان به‌تمامی همان چیزی را برداشت می‌کند که روزی به آن فکر کرده است.

۱-۲-۴. انسان مسئول رویدادهای زندگی

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان گفت منادیان قانون جذب بر این باورند که هوشمندی جهانی که همه از انرژی ساخته شده و دائماً در حال برآوردن خواسته‌های

انسان است و بدون خواست انسان معنا ندارد، ما را به واقعیت دیگری رهنمون می‌شود. انسان مسئول کامل آن چیزی است که در زندگی با آن مواجه است. آنها داستان علاءالدین و چراغ جادو را مثال زده و می‌گویند غول چراغ جادو همیشه یک حرف می‌زند: فرمانبردارم ارباب (برن، ۱۳۹۹، ص ۴۷).

۵-۲-۱. تغییر جهان به دست انسان

حاصل دو اصل پیش گفته این است که جهان به دست انسان تغییر می‌کند، چرا که کائنات فرمانبردار انسان هستند و در خدمت او، و در جهان چیزی جز ذهن انسان و خواست او تاثیرگذار نیست: «شما از قدرت آن برخوردارید که همه چیز را تغییر دهید، زیرا شما می‌دانید که اندیشه‌های خود را انتخاب می‌کنید، شما می‌دانید که احساسات خود را احساس می‌کنید، شما می‌دانید که با حرکت خود دنیایان را خلق می‌کنید» (برن، ۱۳۹۹، ص ۳۹). فرایندی که طی آن انسان می‌تواند به عنوان یگانه قدرت هستی به آمل و آرزوهای خود برسد، فرایند خلاق نام دارد. این فرایند در سه مرحله مهم و اساسی شکل می‌گیرد که اگر هر کدام از این مراحل درست طی نشود، انسان نمی‌تواند به نتیجه دلخواه برسد. فرایند خلاق در سه مرحله صورت می‌گیرد: درخواست، باور و دریافت. بنابراین می‌توان تنها با سرمایه ذهن دست به تغییر جهان زد (برن، ۱۳۹۹، ص ۳۹).

۳-۱. خداشناسی قانون جذب

همان‌طور که گفته شد، منادیان قانون جذب این قانون را یک قانون طبیعی دانسته و آن را متعلق به عقیده یا مذهب خاصی نمی‌دانند؛ از این رو افراد با گرایش‌های مختلف از ملحد تا مسلمان طرفدار آن هستند. خدا باورانی که قانون جذب را پذیرفته‌اند، از خدا، صفات او و مفاهیمی مانند شکرگزاری، شفا بخشی و دعا سخن می‌گویند. اگر چنین مفاهیمی را نشان از خدای خالق و قادر متعال بدانیم باید بگوییم دست کم کسانی که اصرار دارند قانون جذب را علمی جلوه دهند و آن را مبتنی بر کشفیات فیزیک کوانتوم بدانند، نمی‌توانند لوازم آن را نپذیرند، چرا که مبانی هستی‌شناسی و

انسان‌شناسی آنها به گونه‌ای است که منجر به خداشناسی متفاوت با خدای ادیان می‌گردد.

۱-۳-۱. خدای درون

خداوند معنویت‌های نوظهور از جمله قانون جذب، خدای شخص‌وار، متمایز، حی، قادر و خالق آسمان و زمین نیست، بلکه چیزی درون ماست که می‌تواند منبع انرژی درونی ما باشد. این خدا در درون همه هست و توجه به آن موجب خلق کارهای بزرگ می‌شود. در کتاب عظمت دنیای درون، نویسنده پیش از ورود به بحث خاطرنشان می‌کند کلمه «خدا» برای درک اینکه خداوند همان روح خود انسان است با عبارات نیروی درون، عظمت درون، نیروی الهی درون، آمده است (نک: مظفریان، ۱۴۰۰، ص ۱۱).

۱-۳-۲. همه‌خدایی

وقتی همه چیز انرژی است و اندیشه انسان نیز جز انرژی چیزی نیست و انرژی نه از بین می‌رود و نه به وجود می‌آید و فقط حالت آن عوض می‌شود، منجر به این اندیشه درباره خدا می‌شود که همه چیز خداست. دیگر تمایزی بین خدای خالق آسمان و زمین و بقیه موجودات نیست.

کائنات - او را خدای بزرگ، فرا قدرت عالم قدسی، پروردگار زندگی، تائو یا هر چیز که می‌خواهید بنامید - تمام مدت پیام می‌گیرد و می‌فرستد. او برای شما الهاماتی ارسال می‌کند و درخواست‌های شما را می‌گیرد (ویتالی، ۱۴۰۱، ص ۴۳).
 از آنجا که موضوع مقاله نقد مبانی فلسفی قانون جذب است، مباحث پیشین جهت مقدمه طرح شده و مباحث انتقادی، ناظر به مبانی فلسفی است.

۲. مبانی فلسفی قانون جذب

۱-۲. ایدئالیسم

کلمه ایده (idea) در اصل کلمه‌ای است یونانی که معانی مختلفی مانند پندار، اندیشه،

عقیده (آریان‌پور، ۱۳۷۸، ذیل واژه ایده) طرح و نقشه خیال و نمونه واقعی (حییم، ۱۳۷۴، ص ۴۵۰) و... دارد.

ایدئالیسم را حداقل می‌توان در سه معنای معمول به کار برد و معنای چهارمی که برگرفته از فیزیک جدید است:

الف. ایدئالیسم عینی (هستی‌شناختی): این نحله فلسفی منبع اصلی وجود را روح مطلق و عقل کل می‌داند. نماینده بارز این نوع ایدئالیسم افلاطون و هگل هستند (نک: بابایی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۲).

ب. ایدئالیسم ذهنی (معرفت‌شناختی): گرایشی ایدئالیستی که بنابر آن به جهان عینی نمی‌توان به مثابه موجودی مستقل از فعالیت شناختی و وسائل شناخت نگریست. بارکلی و فیشته نمایندگان چنین گرایشی هستند (نک: بابایی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۳).

ج. ایدئالیسم استعلایی: می‌توان کانت را نماینده این نوع ایدئالیسم نامید. کانت در بسط و توسعه نظر خود هم عقل‌گرایی و هم تجربه‌گرایی را رد کرد و مدعی شد علم محدود به جهان پدیداری است و نمی‌تواند درباره ذوات معقول یا امور فی‌نفسه به ما آگاهی بخشد. با وجود این، جهانی را که تجربه می‌کنیم واقعی است (نک: بابایی، ۱۳۹۰، ص ۲۱۳).

د. ایدئالیسم در حوزه فیزیک کوانتوم: تا قبل از ظهور مکانیک کوانتومی، علم فیزیک، وجود جهان خارج و مستقل از ذهن انسانی را مفروض می‌گرفت و وظیفه خود را توضیح ماهیت آن می‌دانست. این دیدگاه مبتنی بر دو فرض است؛ اول اینکه واقعیتی مستقل از انسان وجود دارد، دوم آنکه تحقیقات علمی می‌تواند این جهان واقعی را برای ما قابل درک سازد. طبق این بینش جهان خارجی آنچنان است که به نظر می‌رسد و دانش ما صرفاً انعکاسی از واقعیت عینی است؛ از این رو می‌توان ذهن را از عین جدا کرد و انسان یک ناظر غیرفعال است. این تفکر رئالیسم نام دارد. در مقابل این تفکر ایدئالیسم قرار دارد که معتقد است ذهن و شعور انسان است که واقعیت را می‌سازد. برای نمونه بور معتقد بود که انسان در صحنه حیات صرفاً یک تماشاگر نیست، بلکه بازیگر هم هست و خواص اشیاء محصول تجارب انسان است (نک: گلشنی، ۱۳۸۰، صص ۴۲-۴۴).

با توجه به مطالب مذکور می‌توان گفت ایدئالیسم قانون جذب برگرفته از ایدئالیسم حاکم بر فیزیکدانان معاصر است؛ به این معنا که اندیشه‌ها عالم خارج را می‌سازند. البته در ایدئالیسم ادعا نمی‌شود که ذهن منشأ خلق ماده است، اما در قانون جذب ذهن منشأ خلق عالم ماده نیز به حساب می‌آید. در برخی کتاب‌های قانون جذب فرایند تبدیل فکر به واقعیت را با استفاده از قانون نسبیت انیشتین چنین توضیح می‌دهند.

آلبرت انیشتین نظریه نسبیت را با استفاده از معادله $E = mc^2$ معرفی کرد. با توجه به این نظریه انرژی می‌تواند به جرم تبدیل شود. جرم شامل انواع مختلفی از اشیا و مواد است. وقتی انسان به فضای بیرونی کره زمین نگاه می‌کند سیارات و ستارگان را می‌بیند که فضاهای خالی بین آنهاست اما در واقعیت آنجا هم که به نظر خالی می‌آید، خالی نیست؛ آنجا مملو از امواج ارتعاشی است. در اثر این امواج ارتعاشی است که یک ماده به شکل ماده فیزیکی دیده می‌شود. این امواج گاهی قابل درک حسی هستند؛ مانند اشیائی که می‌بینیم و گاهی قابل درک حسی نیستند، مانند افکار و اصوات. این امواج ارتعاشی را امواج احتمالی می‌نامند؛ زیرا با وجود اینکه انرژی تولید می‌کنند ممکن است در جهان به ماده فیزیکی تبدیل شوند یا به همان شکل باقی بمانند. این انسان است که با فکر و تمرکز بر خواسته‌هایش تصمیم می‌گیرد امواج را به ماده تبدیل کند. وقتی فکری ایجاد می‌شود در واقع اولین گام برای تبدیل انرژی احتمالی به ماده برداشته شده است. دومین بار که همان فکر به فضا فرستاده می‌شود به اتر ۳ تبدیل می‌شود که یک ذره کوچک در فضا است. در حقیقت این ابتدای فکر است که به واقعیت تبدیل شده است. باید با تمرکز کاری کرد که این ذره کوچک بزرگ‌تر شود و در مرحله بعد باید آن را به خود نزدیک و نزدیک‌تر کرد تا در نهایت آرزوی انسان در دنیای واقعی تکمیل و ظاهر گردد (نک: لاولس، ۱۴۰۱، صص ۱۵۳-۱۵۹).

بنابر مطالب ذکر شده می‌توان مدعیات قانون جذب را از دو جهت مورد بررسی قرار داد: عدم پذیرش واقعیتی مستقل از ذهن، و تبیین منشأ بودن ذهن در ایجاد واقعیت. فیلسوفان اسلامی به دلیل پذیرش واقعیتی خارج از ذهن انسان رئالیست هستند. واژه رئالیسم در لغت از دو کلمه Real به معنای واقعی و ism گرفته شده که به معنای

واقع‌نگری، واقع‌بینی، واقع‌گرایی یا مکتب اصالت واقع (حق‌شناس و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱۲۲۵)، و در اصطلاح به معانی مختلفی آمده، اما به‌طور کلی به معنای واقع‌گرایی، باور به هستی و واقعیت داشتن جهان و موجودات جهان خارج و استقلال عالم عین از عالم ذهن است (پانتم و جمعی از محققان، ۱۳۹۳، صص ۱۷-۱۸).

ملاصدرا نیز همچون دیگر فیلسوفان اسلامی واقعیات خارجی را پذیرفته و در رد سخن سوفسطائیان می‌گوید وجود واقعیت امری اولی است و نیاز به اثبات ندارد (ملاصدرا، ۱۳۸۲، ص ۱۸۵).

او در پاسخ به شکاکان - که به دلیل خطاهای حس و عقل منکر شناخت جهان خارج هستند - نیز استدلال‌هایی می‌آورد و بیان می‌کند که با وجود اینکه خطاهای حس و عقل قابل انکار نیست، اما می‌توان این خطاها را تشخیص داد و تا حد ممکن آنها را برطرف کرد (خسروپناه، ۱۳۸۸، صص ۲۰۴-۲۰۵).

پس از بیان نظر ملاصدرا درباره امکان شناخت می‌توان گفت نظر کسانی که به دلیل آزمایش‌ها در حوزه فیزیک کوانتوم واقعیتی مستقل از ذهن را انکار می‌کنند، قابل پذیرش نیست؛ حتی ماکس پلانک که پدر فیزیک کوانتوم شناخته می‌شود وجود واقعیت و جهان عینی را نه تنها انکار نمی‌کند، بلکه پذیرش آن را مبدأ اکتشافات قوانین فیزیک می‌داند (نک: پلانک، ۱۳۶۴، صص ۲-۴).

اما درباره خلاقیت ذهن و نقش آن در ایجاد واقعیت، باید هستی‌شناسی و انسان‌شناسی ملاصدرا را در هم آمیخت. او ابتدا وجود سه عالم مترتب بر هم را اثبات می‌کند؛ عالم ماده، عالم مثال و عالم عقل. نفس انسان نیز مطابق با این سه عالم دارای سه مرتبه حس و خیال و عقل است (ملاصدرا، ۱۳۸۲، ص ۱۵۰). از طرفی خداوند نفس انسان را که از عالم ملکوت است، مثال و نمونه خود قرار داده، به گونه‌ای که انسان نیز مانند خدا قدرت خلق دارد و همان گونه که خدا در عالم خارج اشیا را خلق می‌کند در عالم نفس خود می‌تواند خالق صور باشد. اما قدرت خلق انسان به اینجا ختم نمی‌شود، بلکه او می‌تواند با شرایطی و در صورت عدم موانع در عالم خارج از ذهن نیز خلق کند (ملاصدرا، ۱۴۲۳، ج ۱، صص ۲۶۲-۲۶۳).

در تبیین خلاقیت ذهن باید گفت ملاصدرا فاعل را به دو نوع تقسیم می‌کند؛ فاعل در عرف حکمای الهی که عبارت است از مفیض و موجد اشیا، و فاعل در عرف حکمای طبیعی که عبارت است از هر چیزی که مبدا و علت حرکت در چیز دیگری باشد؛ هر چند به صورت اعدادی. از آنجا که نفس انسان، مثال و نمونه خداوند و نماینده ذات، صفات و افعال اوست؛ همان گونه که خدا مملکتی دارد که مشتمل بر همه موجودات است، نفس نیز مملکتی دارد که مشتمل بر مثال و صور کلیه اشیا است که به علم حضوری برای نفس حاصل اند و اگر غلبه احکام جسمانیت نباشد، می‌تواند در خارج از ذهن نیز خلق کند و در این صورت فاعل الهی است (ملاصدرا، ۱۳۹۳، ص ۱۵۱).

پس می‌توان گفت همان گونه که خدا دو نوع خلق دارد (آفرینش از ماده (خلق) و آفرینش از عدم (ابداع)) انسان نیز دو نوع خلق دارد.

خلق متعارف و خلق متعالی

خلق متعارف: به این معناست که انسان می‌تواند با اراده خود در عالم خارج با استفاده از مواد پیرامون خود اشیا را ایجاد کند. این نوع خلق در محدوده خیال متصل انسان تحقق می‌یابد؛ به این صورت که انسان هر آنچه را که بخواهد بیافریند در خیال متصل ابتدا صورت آن را ایجاد می‌کند، سپس توسط اشیا و مواد دیگر و با طی مدت زمان به آنها در عالم خارج تحقق می‌بخشد. در این سطح، خلق در حیطه ذهن بدون ماده و مدت است، اما محصول آن در خارج مسبوق به ماده و مدت است.

خلق متعالی: به این معناست که اگر انسان بتواند مراتب تکاملی خود را طی کند می‌تواند در عالم خارج از نفس خود نیز خلق کند. این نوع از خلق بسیار متعالی و تحقق آن مستلزم اتصال و اتحاد با خیال منفصل (عالم مثال) و داشتن نفس متعالی و مزکی است. این سطح ناظر بر مقام امر یا ابداع است؛ یعنی حقایقی که نفس مزکی بعد از مشاهده صور خیالی در خیال منفصل در نفس خود انشا می‌کند، در مقام تحقق خارجی بی‌واسطه ماده و عوامل دیگر و بدون صرف مدت زمان به صورت دفعی در عالم خارج ایجاد می‌کند (نک: مداحی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۸۳).

با توجه به آنچه گفته شد، دو نقد بر قانون جذب وارد است: نقد مبنایی و بنایی. نقد مبنایی: مبنایی که مدعیان قانون جذب برای علمی جلوه دادن آن مطرح می‌کنند (کشفیات فیزیک کوانتوم) منتقدانی دارد و نظریه صددرصد پذیرفته به حساب نمی‌آید و ممکن است مانند هر نظریه علمی دیگر در آینده تبیین بهتری جای آن را بگیرد. این مطلبی است که خود فیزیک‌دانان به آن اقرار کرده‌اند.

وقتی می‌کشیم نظریه کوانتوم را برای کل جهان به کار بریم، با مسائل نظری عمده‌ای روبه‌رو می‌شویم. این مطلب آنقدر مشکل است که کثیری از فیزیک‌دانان نظریه پرداز برجسته فکر می‌کنند کل موضوع کیهان‌شناسی کوانتومی یک اندیشه نادرست است (گلشنی، ۱۳۹۵، ص ۳۵).

افزون بر این، نظریه‌های علمی حاصل روش‌های تجربی و استقرایی هستند که تنها توجیه گر دنیای مادی است و نمی‌توان به‌وسیله آن کل عالم را تبیین کرد (نک: باربور، ۱۳۶۲، ص ۳۲۲).

نقد بنایی: بر فرض پذیرش مدعیات فیزیک کوانتوم، نمی‌توان مدعیات قانون جذب مثل تبدیل شدن انرژی فکر به یک ماشین در عالم خارج یا "قانون جذب انرژی‌های مشابه را برگرفته از فیزیک کوانتوم و علمی دانست؛ چرا که قوانین فیزیک کوانتوم در سطح ذرات زیراتمی عمل می‌کنند و نمی‌توان آن را به‌طور مستقیم به زندگی روزمره تعمیم داد. از طرفی این مدعیات، خلاف بداهت و ناسازگار با واقعیت موجود است. هرگز مقدار انرژی فکر، اگر آن را مادی بدانیم به قدری نیست که با جرم یک ماشین یا خانه برابر باشد، یا ادعای جذب انرژی‌های مشابه و اینکه ذهن مانند مغناطیس عمل می‌کند، خلاف علم است؛ چون در علم ثابت شده که قطب‌های مشابه یکدیگر را دفع می‌کنند (مظاهری‌سیف، ۱۳۹۸، ص ۸۵).

از این رو اگرچه مدعیان قانون جذب و ملاصدرا معتقد به توانایی ذهن انسان در ایجاد واقعیت هستند، اما پرواضح است که این دو تفاوت زیادی با هم دارد. تبیین منادیان قانون جذب از این توانایی کاملاً فیزیکی و مادی و مبتنی بر مسائلی از علم است که یقینی نبوده و قابل تغییر است؛ درحالی که ملاصدرا قائل به تجرد نفس است و بنابر

مبانی عقلی و برهان، به خلاقیت نفس در خارج نظر می‌دهد. از نظر وی خلاقیت متعارف برای همه انسان‌ها امکان دارد اما خلاقیت متعالی فقط در برخی از انسان‌ها نمود می‌یابد.

همچنین او ایجاد شیء در خارج را انکار نمی‌کند، اما آن را مخصوص کسانی می‌داند که دارای شرایطی چون طهارت نفس، کمال عقل نظری، و تسخیر قوه خیال باشند و موانعی چون گناه، جهل و عدم معرفت، شرور اخلاقی و حاکمیت شیطان بر سر راه آنان نباشد؛ برخلاف منادیان قانون جذب که توانایی خلق واقعیت را برای هر انسانی و با تمرین تجسم شیء میسر می‌دانند.

۲-۲. اومانیزم

واژه اومانیزم یا هیومانیزم (Humanism) ریشه لاتینی دارد. اومانیزم در کتب لغت به معنای «آنچه مربوط به انسان (نوع انسانی) و متعلق به اوست» می‌باشد (ویستر، ۱۹۴۷، ص ۳۳۳). اومانیزم در اصطلاح در دوران مختلف به معانی متعددی آمده و به تفکری اطلاق می‌شود که انسان و علایق طبیعی او را محور و میزان همه چیز قرار می‌دهد (ادواردز، ۱۴۰۲، ج ۴، صص ۶۹-۷۰).

از اصول فکری حاکم بر تفکر اومانیزمی می‌توان به محوریت انسان، تاکید بر آزادی و اراده انسان، اعتقاد به توانایی فوق‌العاده عقل و طبیعت‌گرایی اشاره کرد (قنبری، ۱۳۸۳، ص ۳۲).

با توجه به تعلیمات قانون جذب می‌توان گفت ریشه‌های تفکر اومانیزمی در جای‌جای این تفکر دیده می‌شود. در قانون جذب، انسان محور کائنات به شمار می‌آید که همه چیز تابع خواست و اراده اوست. پیروی کائنات از انسان که به غول چراغ جادو تشبیه شده و کار او تنها برآورده کردن بی‌چون و چرای خواست ارباب خود است، توانایی انسان در خلق سرنوشت خویش بدون هیچ مانع و اراده معارض مانند رابطه‌ای است که ادیان در مورد خدا و اطاعت از فرامین او بیان می‌کنند و این به معنای نشان دادن انسان به جای خداوند است (نک: برن، ۱۳۹۹، ص ۴۹)؛ درحالی‌که انسان در اندیشه ملا صدرا

در عین حال که مقام والایی دارد اما عین فقر و احتیاج به خداست و هیچ استقلالی از خود ندارد.

از منظر ملاصدرا انسانیت انسان به هویت وجودی و هویت وجودی انسان به فصل اخیر اوست که همان نفس ناطقه است. انسان موجودی دوبعدی است که دارای نفس مجرد است؛ نفسی که در ابتدای پیدایش جسمانی و با حرکت جوهری به تجرد می‌رسد. بنابراین نفس واقعی است که در ابتدا در زمره صور جسمانی است و از صورت عنصری به تدریج کامل‌تر می‌شود تا به کامل‌ترین صورت جمادی، نباتی و حیوانی که از نوعی تجرد مثالی برخوردار است و ادراک جزئی و حرکت ارادی دارد تبدیل شود. این حرکت نفس ادامه دارد تا اینکه تمام مراحل تکامل نفس حیوانی را پشت سر گذاشته و در نهایت به نفس انسانی تبدیل می‌شود که دارای تجرد مثالی نطقی نیز هست و از نوعی تجرد عقلی نیز برخوردار است و در همین مرحله واجد تمام مراتب جمادی گیاهی و حیوانی است (نک: عبودیت، ۱۳۸۵، ج ۳، صص ۴۵۰-۴۵۱).

از این رو، انسان در آغاز وجود حیوان بالفعل و انسان بالقوه است؛ یعنی در ابتدای مسیر انسانیت قرار دارد و با کسب معرفت از طریق استکمال عقل نظری و کنش‌های عقل عملی می‌تواند مراحل تکاملی خود را طی کند تا به مقام انسان کامل برسد که مظهر تمامی صفات جمال و جلال الهی است و در این مقام است که مانند خدا، قادر به خلق هم خواهد شد؛ اما قدرت خلقی که به اذن خدا و جلوه‌ای از قدرت خداست.

مهم‌ترین نقدی که با مبانی ملاصدرا به قانون جذب وارد است، استقلال انسان در برابر خداوند است. در تعلیمات قانون جذب خواست انسان و تمرکز بر آن برای رسیدن به اهداف او کافی است. در این تعلیمات، به شدت این نکته تبلیغ می‌شود که منشأ همه تغییرات قدرت ذهن انسان است. چنین نگرشی موجب اتکای انسان به خود و غفلت از خداوند است؛ در حالی که در نگاه ملاصدرا حتی انسان کامل اگرچه دارای قدرت تأثیر بر خارج است، به هیچ وجه مستقل از خدا نیست و پیوسته خواست و اراده او تحت خواست و اراده خداوند است. به این ترتیب انسان در فلسفه حکمت متعالیه هرگز به جای خدا نمی‌نشیند.

نکته دیگر طبیعت گرایی در قانون جذب است؛ غالب تعالیم قانون جذب پیرامون تحقق بخشیدن به آرزوها و امیال مادی و طبیعی انسان است. برای نمونه می توان به کتاب ها و سمینارهای پرتعدادی که درباره کسب ثروت، رفاه، سلامتی و موفقیت در زندگی است، اشاره کرد. عالی ترین هدف منادیان قانون جذب شاد زیستن در اکنون است (نک: هیکز، ۱۳۹۸، ص ۸۶)، اما انسان حکمت متعالیه طبیعت گرا نیست و تا جایی به دنبال امور طبیعی می رود که برای سیر کمالی او مانعی ایجاد نشود. در نگاه ملاصدرا، توجه و تمرکز بر بعد مادی و طبیعی، موجب هلاکت انسان و دور شدن او از سعادت حقیقی می گردد (ملاصدرا، ۱۳۹۰، صص ۲۸-۲۹).

۲-۳. پانتیسم

پانتیسم در لغت به معنای همه خدایی، وحدت وجود و حلول آمده است (نک: ال ریس، ۱۴۰۰، صص ۸۴۵-۸۴۶).

در هستی شناسی قانون جذب ذکر شد که همه عالم انرژی است و در خداشناسی قانون جذب اشاره شد که خدا همان انرژی درونی است و تفاوتی بین خدا و کائنات وجود ندارد، پس می توان نتیجه گرفت که مدعیان قانون جذب هم به نوعی پانتیسم قائل اند.

اگر از یک دانشمند فیزیک کوانتوم پرسید دنیا از چه ساخته شده خواهد گفت از انرژی، و در توصیف انرژی می گوید انرژی چیزی نیست که بتوان آن را ایجاد کرد یا از بین برد؛ همیشه بوده، همیشه هم خواهد بود... حالا به یک عالم روحانی مراجعه کنید و از او پرسید عالم هستی را چه کسی خلق کرده، در جواب خواهد گفت خداوند، و در توصیف آن می گوید: خداوند همیشه بوده و همیشه هم خواهد بود؛ هرگز خلق نمی شود و هرگز از بین نمی رود، همیشه بوده و همیشه خواهد بود. همان طور که می بینید توصیف مشابهی است که از کلمات متفاوت برای بیان آن استفاده شده (برن، ۱۳۹۹، ص ۱۶۶).

البته اغلب منادیان قانون جذب به ظاهر مسیحی و معتقد به خدای شخص وار و پدر

آسمانی هستند، اما قرائت آنها از خدا خلاف اعتقاد آنهاست. خدایی که منادیان قانون جذب معرفی می کنند دیگر موجودی متعالی و متمایز از جهان نیست، بلکه همان انرژی است که عین جهان یا حال در جهان تلقی می شود.

ملاصدرا رابطه خدا و موجودات را با نظریه وحدت وجود تبیین می کند. وحدت وجود در لغت به معنای یکی بودن و تقسیم ناپذیری وجود و در اصطلاح عرفا به این معناست که تنها وجود حقیقی خداوند است و بقیه موجودات حقیقتاً موجود نیستند. این تعریف از وحدت وجود با فیلسوفان مشاء که برای همه موجودات، وجود حقیقی قائل بودند در تقابل بود. ملاصدرا با طرح مبحث تشکیک خاصی وجود و تبیین وحدت در عین کثرت حد واسطی بین عرفا که کثرت را پنداری و فیلسوفان مشاء که وحدت را انتزاعی می پنداشتند ایجاد کرد؛ به گونه ای که هم وحدت و هم کثرت را حقیقی دانست. او در ابتدا نظریه تشکیک خاصی در وجود را مطرح کرد اما در نظرات نهایی خود به تشکیک در مظاهر وجود رای داد و وحدت وجود را پذیرفت (ملاصدرا، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۷۱).

با توجه به اینکه برخی پانثیسم را همان وحدت وجود دانسته اند، هرچند که ممکن است این ادعا درباره برخی قرائت های وحدت وجود درست باشد، لازم است به اختلاف عمیقی که بین پانثیسم و وحدت وجود صدرایی وجود دارد، پرداخته شود. وحدت وجود در فلسفه ملاصدرا غیریت بین خالق و مخلوق را برمی دارد اما هرگز منجر به عینیت خالق و مخلوق نمی شود. این بحث ریشه در بحث اصالت وجود و رابطه علت و معلول دارد. ملاصدرا در تبیین رابطه بین علت و معلول، بحث وجود رابط را مطرح می کند. در این نظریه معلول عین وابستگی به علت است و ماهیت مستقل از علت ندارد و حتی در ذهن هم نمی توان او را بدون علت و مستقل لحاظ کرد.

یکی از ثمرات وجود رابط، وحدت شخصی وجود است. اما این نظریه نه مستلزم انکار مخلوقات و ممکنات است؛ به این معنا که آنها معدوم باشند، نه به این معناست که هر شیئی واجب بالذات باشد و نه اینکه واجب بالذات همان کل جهان یعنی مجموع ممکنات باشد، و نه مستلزم این است که واجب بالذات در ممکنات حلول کرده باشد یا

با آنها متحد شده باشد. همه این شقوق، از دیدگاه همه عرفا و فلاسفه مسلمان و به‌ویژه از نظر صدرالمُتألهین، عقلاً باطل و شرعاً کفر است. بلکه دستاورد نظریه وجود رابط معلول جز این نیست که هر ممکن بالذات و مخلوق و معلولی شأنی از شئون واجب بالذات است؛ به این معنا که حیثیتی ندارد جز حکایت از او، مقامی ندارد جز مقام آینه و آیتی که او را نشان می‌دهد؛ در یک کلام، تعبیر «واجب بالذات و ممکنات» مترادف است با تعبیر خدا و آیات خدا، یا خدا و خدانماها (عبودیت، ۱۳۸۵، ج ۱، صص ۱۹۹-۲۰۰).

هرچند سخنان منادیان قانون جذب درباره خدا متفاوت، مضطرب و در برخی موارد متناقض است، اما می‌توان آنها را به‌نوعی پانته‌یست نامید. آنها معتقدند کل عالم انرژی است. از طرفی خدا را انرژی درون افراد می‌دانند و انرژی نیز چیزی جز شکل تغییر یافته ماده نیست. پس خدا نیز یک امر مادی است که در انسان حلول کرده است یا همان کل جهان است که لازمه‌اش اتحاد با جهان ممکنات است. درحالی‌که از نظر ملاصدرا حلول و اتحاد درباره خداوند عقلاً محال است؛ با این توضیح که خداوند دارای وحدت حقه حقیقه و وجود صرف است و چنین وجودی جا برای دویی باقی نمی‌گذارد؛ در حالی که حلول و اتحاد مستلزم دویی در اصل وجود است (ملاصدرا، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۲۴۴).

۴-۲. انیمیسیم

انیمیسیم در لغت برگرفته از کلمه لاتین anima به معنای نفس یا جان است و به معنای جاندارانگاری و زنده‌پنداری است (ال ریس، ۱۴۰۰، ص ۵۱).

در بین ادیان ابتدایی مشترکاتی یافت می‌شود که یکی از آنها اعتقاد به جان و روح داشتن طبیعت است. آنها معتقدند که تمام موجودات اعم از ساکن و متحرک، مرده یا زنده، دارای روحی هستند که در آنها مخفی است. این ارواح دارای شکل و صورت و احساسات و عواطف و اراده هستند و مانند افراد زنده می‌توانند خشمگین یا خشنود شوند. از این رو برای خشنود کردن و پرهیز از خشم‌شان باید همواره به یاد آنان بود و سرنوشت خود را به آنها سپرد (نک: ناس، ۱۳۷۳، ص ۱۹).

اعتقاد به جان داشتن پدیده‌های طبیعی موجب پرستش این موجودات و آیین‌هایی

مثل اعطای هدایا و قربانی کردن حیوان‌ها و انسان‌ها برای رهایی از ضرر و کسب منافع بود که از این پدیده‌ها انتظار می‌رفت. به نظر می‌رسد هوشمند دانستن کائنات در قانون جذب نیز نوعی جاندارانگاری است اما نه دقیقاً به همان معنای مرسوم خود. منادیان قانون جذب معتقدند کائنات منتظر درخواست ما هستند. خواست ما را می‌دانند و می‌توانند آن را برآورده سازند و از این کار لذت می‌برند. یعنی برای رسیدن به خواست خود باید به این باور رسید که کائنات هوشمند و دارای صفاتی چون علم و قدرت هستند اما نیازی نیست مانند جاندارانگاری ادیان ابتدایی، سنگ‌ها، درختان و برخی حیوانات مقدس شمرده شده و مورد عبادت قرار گیرند، بلکه توجه به کائنات کافی است تا بتوانند خواست انسان را اجابت کنند.

حال باید دید این ادعا درست است و آیا می‌توان مبنای عقلی برای این فرضیه در نظر گرفت یا خیر. غالب فلاسفه مسلمان موجودات را به دو دسته موجودات با علم و اراده و موجودات فاقد علم و اراده تقسیم می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۶۶۳)، اما ملاصدرا با توجه به مبانی خود، ثابت می‌کند که همه موجودات دارای درجاتی از علم و شعور هستند.

یکی از مبانی مورد قبول ملاصدرا، اصالت وجود است؛ به این معنا که خارج را وجود پر کرده و آثار مربوط به وجود اشیاء است نه ماهیت آن. مبنای دیگر عینیت صفات وجودی مانند علم و قدرت با وجود است (ملاصدرا، ۱۴۲۰ق، ص ۲۹۸)؛ از طرفی در اندیشه ملاصدرا وجود یک حقیقت ذو مراتب است. نتیجه حاصل از این مبانی این است که هر چه موجود است دارای علم نیز هست؛ به این معنا که هر جا وجود باشد علم هم هست و فرق موجودات با علم و اراده با موجوداتی که به ظاهر علمی ندارند و اراده‌ای نمی‌کنند، در این نیست که موجودات دسته دوم فاقد علم‌اند، بلکه آنها نیز علم دارند، اما بنابه مشکک بودن وجود به اندازه بهره‌ای که از وجود برده‌اند علم دارند؛ یعنی درجه ضعیفی از علم که در مقایسه با موجودات جاندار عدم علم به حساب می‌آید. در اینجا به یک نقطه به ظاهر مشترک می‌رسیم: هوشمندی کائنات؛ اما یکی با مبنای مادی و قوانین فیزیکی غیر یقینی و یکی با مبنای عقلی یقینی که ذکر شد. شعورمندی موجودات

در حکمت صدرایی به معنای علم معلول (کائنات) به نقص وجودی خود و کمال علت است که زمینه را برای تسبیح تکوینی موجودات فراهم می کند (ملاصدرا، ۱۴۲۳ق، ج ۷، صص ۲۰۹-۲۱۰). اما اشکال مهم تر تبیین هوشمندی کائنات است. از دیدگاه قانون جذب دلیل هوشمندی کائنات این است که ماده تشکیل دهنده عالم انرژی است و تفاوت موجودات به تفاوت سازماندهی آنهاست؛ پس همه چیز به هم متصل است و کائنات از ذهن انسان خبر دارد، درخواست انسان را می شنود و مانند غول چراغ جادو بدون هیچ محدودیتی آن را برآورده می کند. این مطلب ادعایی بی دلیل بوده و با روش تجربی نیز قابل اثبات نیست و حتی اگر بپذیریم که بخشی از عالم از انرژی تشکیل شده با شعورمندی به معنای برآوردن خواست انسان ملازمه ندارد.

پس بنا بر آنچه گفته شد کائنات در برآورده کردن خواست انسان علم و اراده ای مستقل از خدا ندارد. البته با مبانی انسان شناسی ملاصدرا می توان گفت که اگر انسان به درجاتی از کمال برسد می تواند در کائنات دخل و تصرف کند. چنین انسانی، انسان کامل است و می تواند مثال خدا و آئینه تمام نمای صفات او باشد. پس این ادعا که هر انسانی با تمرکز بر خواست خود، می تواند شیئی را در خارج خلق کند، آن طور که منادیان قانون جذب اعتقاد دارند، ادعایی بی دلیل است.

نتیجه گیری

۱. هستی شناسی قانون جذب بر این مسئله استوار است که همه چیز از جمله افکار انسان از انرژی ساخته شده است. انرژی دارای فرکانس های قابل اندازه گیری است که بر موجودات اثر گذاشته و آنها را براساس قانون جذب انرژی های مشابه به طرف خود جذب می کند.

۲. انسان شناسی قانون جذب برگرفته از کشفیات فیزیک کوانتوم و ویژگی های ضمیر ناخود آگاه است. آنها معتقدند که انسان می تواند با انجام صحیح سه مرحله درخواست، باور و دریافت به هر آرزویی که فکر می کند دست یابد.

۳. خداشناسی قانون جذب گردشی از تئیسیم به پانتئیسیم دارد. آنها خدا را انرژی می دانند

که درون موجودات از جمله انسان وجود دارد و اتکا به این خدای درونی موجب رسیدن به خواست انسان است.

۴. ایدئالیسم قانون جذب برگرفته از ایدئالیسم حاکم بر فیزیک دانان معاصر است. مدعیان قانون جذب معتقدند جهان محصول اندیشه انسان است، درحالی که ملاصدرا در عین پذیرش واقعیت و رد سوفسطائیان و شکاکان معتقد به تأثیرگذاری نفس انسان بر خارج و خلق واقعیت است، چون نفس از جنس عالم ملکوت بوده و قدرت انشاء دارد و می تواند در سطح متعارف در نفس خود و در سطح متعالی با سعه وجودی در خارج از نفس نیز، دخل و تصرف کرده و چیزی را خلق کند.

۵. اومانیزم قانون جذب به معنای مرکز قرار دادن انسان و خواست های طبیعی و دنیوی انسان و استخدام کائنات برای برآوردن بی چون و چرای این خواست هاست؛ درحالی که در حکمت متعالیه انسان در عین اینکه کون جامع است و می تواند به مقام انسان کامل برسد، اما معلول و مخلوق خدا و عین ربط و وابستگی به اوست و در همه حال خواست او تحت اراده خداوند است.

۶. قانون جذب گرفتار پانتئیسم است، چون خدا را در حد انرژی درون اشیاء تنزل می دهد، اما اگرچه ملاصدرا با پذیرش وحدت وجود همه موجودات را نشان و تجلی خدا می داند، اما در نظر او خداوند نه در موجودات حلول کرده و نه با آنها متحد است.

۷. اعتقاد به درک و شعور کائنات به عنوان موجوداتی که خواهان رسیدن انسان به آرزوهایش هستند و در این راه بدون هیچ محدودیتی به خواست انسان جامه عمل می پوشانند، نوعی انیمیزم است. ملاصدرا ضمن اثبات درجاتی از علم و شعور برای موجودات، آنها را آگاه به علت خود و تسبیح گوی خدا می داند، نه موجودات هوشمندی برای برآوردن خواست انسان.

فهرست منابع

- آریان‌پور، منوچهر. (۱۳۷۸). فرهنگ یک‌جلدی پیشرو آریان‌پور. تهران: جهان رایانه.
- ادواردز، پل. (۱۴۰۲). دانشنامه فلسفه دین (مترجم: ان‌شاءالله رحمتی) (ج ۴). تهران: صوفیا.
- ال ریس، ویلیام. (۱۴۰۰). فرهنگ فلسفه (مترجمان: شاپور اعتماد، غلامرضا اعوانی، شهین اعوانی، شهرام پازوکی، بهاء‌الدین خرمشاهی، کامران ساسانی، بهزاد سالکی و ضیاء موحد). تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- بابایی، پرویز. (۱۳۹۰). فرهنگ اصطلاحات فلسفه. تهران: انتشارات نگاه.
- باربور، ایان. (۱۳۶۲). علم و دین، (مترجم: بهالدین خرمشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- برن، راندا. (۱۳۹۹). هستی عاطفی. قم: عصر جوان.
- پانتم، هیلاری و جمعی از محققان (۱۳۹۳). رئالیسم (مترجمان: حمید طالب، ابوالحسن حسنی). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پلانک، ماکس. (۱۳۶۴). تصویر جهان در فیزیک معاصر (مترجم: مرتضی صابر). تهران: سپهر.
- راسل، رابرت ؛ شتوگر، ویلیام؛ کوین، جورج. (۱۳۸۴). فیزیک، فلسفه و الهیات (مترجم: همایون همتی). تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
- تالبوت، مایکل. (۱۳۹۴). عرفان و فیزیک جدید (مترجم: مجتبی عبدالله‌نژاد). تهران: هرمس.
- جولایی، محمود. (۱۳۹۹). قانون جذب و فیزیک کوانتوم، <https://razemovafaghiat.com>
- سامعی، حسین، حق شناس، علی محمد و انتخابی، نرگس. (۱۳۹۱). فرهنگ معاصر هزاره. تهران: فرهنگ معاصر.
- حییم، سلیمان. (۱۳۷۴). فرهنگ معاصر انگلیسی. تهران: فرهنگ معاصر.
- خسروپناه، عیدالحسین؛ پناهی‌آزاد، حسن. (۱۳۸۸). نظام معرفت‌شناسی صدرایی. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۲). تعلیقه و شرح الهیات شفا (مصحح و محقق: نجفقلی حبیبی). تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۹۰). رساله سه اصل (مصحح و مقدمه‌نویس: حسین نصر). تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۳۸۲). الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية. قم: بوستان کتاب.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۰ق). مجموعه رسائل فلسفی. تهران: حکمت.

صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم. (۱۴۲۳). الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلية. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۸۶). نهاية الحکمة (مصحح و معلق: غلامرضا فیاضی). قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

عبودیت، عبدالرسول. (۱۳۸۵). درآمدی بر نظام حکمت صدرایی (ج ۳). تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها و مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.

قنبری، آیت. (۱۳۸۳). نقدی بر اومانیزم و لیبرالیسم. قم: فراز اندیشه.

کنفیلد، جک. (۱۳۹۵). شاه‌کلید (مترجم: صدیقه جوکار). تهران: نسل نو اندیش.

گپ، اندرو. (۱۴۰۰). آخرین کتاب قانون جذب که باید حتماً آن را بخوانید (مترجمان: یاسین قاسمی بجد و طلعت اصغری درمیان). تهران: پل.

گلشنی، مهدی. (۱۳۸۰). تحلیلی از دیدگاه‌های فیزیک‌دانان معاصر. تهران: نشر و پژوهش فرزانه‌روز.

گلشنی، مهدی. (۱۳۹۵). خداباوری و دانشمندان معاصر غربی. تهران: کانون اندیشه جوان.

گواهی، عبدالرحیم. (۱۳۸۹). فرهنگ توصیفی ادیان. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

لاوس، جنی. (۱۴۰۱). راز قدرت کائنات (مترجم: علی شهریار). تهران: جاجرمی.

لوسیر، مایکل. (۱۴۰۰). قانون جذب (مترجم: مریم امیری). تهران: نشر زرین آرا.

مداحی، جواد، حسین زاده، سید علی، داودی، محمد و فتحعلی خانی، محمد (۱۳۹۶). سطوح

خلاقیت بر اساس حکمت متعالیه. دوفصلنامه مطالعات اسلام و روانشناسی، (۲۰)

مصاحب، غلامحسین. (۱۳۸۷). دائرة المعارف فارسی (ج ۲). تهران: امیرکبیر

مظاهری سیف، حمیدرضا. (۱۳۹۸). نگاهی متفاوت به قانون جذب. قم: انتشارات معنویت پژوهی.

مظفریان، کیمیا. (۱۴۰۰). عظمت خدای درون، راز خوشبختی و قدرت. تهران: انتشارات آرنا.

ناس، جان بایر. (۱۳۸۱). تاریخ جامع ادیان (مترجم: علی اصغر حکمت). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

وبستر. (۱۹۴۷). فرهنگ لغت انگلیسی به انگلیسی. نیویورک: انتشارات کانگورو.

ویتالی، جو. (۱۴۰۱). راز گمشده جذب خواسته‌ها (مترجم: فریده همتی). تهران: انتشارات لیوسا.

هاو کینگ، استفان. (۱۴۰۱). تاریخچه زمان از انفجار بزرگ تا سیاهچاله‌ها. تهران: شرکت سهامی انتشار.

هیکز، استر و جری. (۱۳۹۸). قانون جذب رفاه و سلامتی (مترجم: ارغوان جولایی). تهران: جويا.

یونگ، کارل. (۱۳۹۰). روانشناسی ضمیر ناخودآگاه (مترجم: محمد علی امیری). تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

References

- Barbour, I. (1983). *Science and Religion* (B. Khorramshahi, Trans.). Tehran: Center for Academic Publications. [In Persian].
- Aryanpur, M. (1999). *Arianpour's One-Volume Dictionary*. Tehran: Jahan Rayaneh. [In Persian]
- Babaei, P. (2011). *Dictionary of Philosophy Terms*. Tehran: Negah Publications. [In Persian]
- Bern, R. (2020). *Emotional Existence*. Qom: Asr-e-Javan. [In Persian]
- Canfield, J. (2016). *The Key to Success*. (S. Jokar, Trans.). Tehran: Nasle No Andish. [In Persian]
- Edwards, P. (2023). *Encyclopedia of the Philosophy of Religion* (I. Rahmati, Trans.) (Vol. 4) . Tehran: Sophia. [In Persian]
- Elries, W., & Shapur. (2021). *The Philosophy Dictionary* (S. Etemad, G. Aavani, S. Aavani, S. Pazouki, B. Khormashahi, K. Sassani, B. Salaki, & Z. Movahed, Trans.). Tehran: Institute for Research in Philosophy and Wisdom of Iran. [In Persian]
- Gapp, A. (2021). *The Last Book on the Law of Attraction You Must Read* (Y. Ghassami Bejad & T. Asghari Darmian, Trans.). Tehran: Pol. [In Persian]
- Ghanbari, A. (2004). *A Critique of Humanism and Liberalism*. Qom: Faraz Andisheh. [In Persian]
- Gohari, A. R. (2010). *Descriptive Dictionary of Religions*. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies. [In Persian]
- Golshani, M. (2001). *An Analysis of Contemporary Physicists' Views*. Tehran: Farzan Rooz Publications. [In Persian]
- Golshani, M. (2016). *Theism and Contemporary Western Scientists*. Tehran: Young Thinkers Society. [In Persian]
- Haqshenas, A. M., et al. (2012). *Contemporary Dictionary of the Millennium*. Tehran: Contemporary Culture. [In Persian]

- Hawking, S. (2022). *A Brief History of Time: From the Big Bang to Black Holes*. Tehran: Samani Enteshar Company. [In Persian]
- Hayim, S. (1995). *Contemporary English Dictionary*. Tehran: Contemporary Culture. [In Persian]
- Hicks, E., & Hicks, J. (2019). *The Law of Attraction: Wealth and Health* (A. Joolaei, Trans.). Tehran: Joya. [In Persian]
- Joulai, M. (2020). *The Law of Attraction and Quantum Physics*. Retrieved from <https://razemovafaghiat.com/wp> [In Persian]
- Jung, C. G. (2011). *The Psychology of the Unconscious* (M. A. Amiri, Trans.). Tehran: Elmi Farhangi. [In Persian].
- Khosropanah, A. H., & Pahani Azad, H. (2009). *The Epistemology of Sadra's Thought*. Tehran: Institute for Culture and Islamic Thought. [In Persian]
- Laws, J. (2022). *The Secret Power of the Universe* (A. Shahriyar, Trans.). Tehran: Jajarmi. [In Persian]
- Lucier, M. (2021). *The Law of Attraction* (M. Amiri, Trans.). Tehran: Zarrin Ara Publishing. [In Persian]
- Madahi, J., et al. (2017). Creativity Levels Based on Transcendent Wisdom. *Islamic Studies and Psychology Quarterly*, (20). [In Persian]
- Mazaheri Seif, H. R. (2019). *A Different View on the Law of Attraction*. Qom: Spirituality Studies Publications. [In Persian].
- Mosaheb, G. (2008). *Persian Encyclopedia* (Vol. 2). Tehran: Amir Kabir. [In Persian].
- Mozaffarian, K. (2021). *The Greatness of the God Within: The Secret to Happiness and Power*. Tehran: Arna Publishing. [In Persian]
- Noss, J. B. (2002). *A History of World Religions* (A. A. Hekmat, Trans.). Tehran: Elmi Farhangi. [In Persian].
- Oboudiat, A. R. (2006). *Introduction to Sadra's Wisdom System*. (Vol. 3) Tehran: Organization for the Study and Compilation of University Humanities Books, Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian].

- Pantham, H & Group of Researchers. (2014). *Realism*. (Translators: Hamid Taleb, Abolhasan Hassani). Tehran: Institute for Culture and Islamic Thought. [In Persian].
- Planck, M. (1985). *The Image of the World in Contemporary Physics* (M. Saber, Trans.). Tehran: Sepehr. [In Persian].
- Russell, R., Stoeger, W., & Coyne, G. (2005). *Physics, Philosophy, and Theology* (H. Hemmati, Trans.). Tehran: Institute for Culture and Islamic Thought. [In Persian].
- Sadr al-Din Shirazi, M. I. (1999). *Philosophical Letters Collection*. Tehran: Hikmat. [In Persian]
- Sadr al-Din Shirazi, M. I. (2003). *Commentary and Explanation of the Metaphysics of Healing*. (N. Habibi, Ed, Vol. 1. Tehran: Sadra Islamic Philosophy Foundation. [In Persian]
- Sadr al-Din Shirazi, M. I. (2003). *Divine Witnesses in Behavioral Methodologies*. Qom: Bustan-e-Kitab. [In Persian]
- Sadr al-Din Shirazi, M. I. (2004). *Transcendent Philosophy in the Four Intellectual Journeys*. Beirut: Dar Ihya al-Turath al-Arabi. [In Arabic]
- Sadr al-Din Shirazi, M. I. (2011). *Three Principles Treatise* (H. Nasr, Ed.). Tehran: Sadra Islamic Philosophy Foundation. [In Persian]
- Samei, H., Haqshenas, A. M., & Entekhabi, N. (2012). *Farhang-e Mo'aser Hezareh*. Tehran: Farhang-e Mo'aser. [In Persian].
- Tabatabai, M. M. (2007). *Nihayat al-Hikma* (G. Fayyazi, Ed.). 5th Edition. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute. [In Persian]
- Talbot, M. (2015). *Mysticism and Modern Physics* (M. Abdollahnejad, Trans.). Tehran: Hermes. [In Persian]
- Vitali, J. (2022). *The Lost Secret of Attracting Desires* (F. Hemmati, Trans.). Tehran: Liusa Publishing. [In Persian]
- Webster. (1947). *Webster's English Dictionary*. New York: Kangaroo Publications. [In Persian]